

گفتگو با زوج محله خاتم الانبیا (ص) که بابرگزاری مراسم ساده در مسجد، شعار ازدواج آسان را عملی کردند

سخت سهل



امام رضا (ع) را همه خواندند و گروه سرود هم سرودشادی را اجرا کرد.»

پخش نماهنگ درباره شهیدای مدافع حرم، عروس خانم و همسرش را کاملاً غافلگیر می‌کند و در ادامه برنامه هم، حجت الاسلام محمدی، امام جماعت مسجد، خطبه عقد را می‌خواند و از طرف مسجد هدیه‌ای به عروس و داماد تقدیم می‌شود.



پدر و مادر شهید، حلقه‌ها را دستمان کردند

قاسم محمدیان وقتی می‌خواهد از جزئیات مراسم حرف بزند، از لحظه دیدارش با خانواده شهید حریری می‌گوید: «با دیدن پدر و مادر شهید، خیلی خوشحال و شوکه شدم. آن‌ها میهمان‌های ویژه مراسم ما بودند. وقتی که پدر شهید می‌خواست حلقه‌ها را دستم کند و مادرش هم حلقه را به دست خانم، اشک در چشم هر دوی آن‌ها حلقه زده بود. آن‌ها برای خوشبختی‌مان دعا کردند و یک جلد نهج البلاغه به ما هدیه دادند و خواستند که به یاد آرمان‌های پسر شهیدشان باشیم.»



هدف، جانداختن فرهنگ ازدواج آسان و صحیح بود

معصومه نیکزاد، مسئول امور فرهنگی بانوان در مسجد فاطمه الزهرا (س)، همان بانوی معتمد

برای آقا داماد رقم زده است که با خنده می‌گوید: «اگر خانم نیکزاد برای سال آینده عروس و دامادی پیدا نکردند که در شب اول ذی الحجه مراسم عقدشان را در مسجد برگزار کنند، من و همسرم حاضریم دوباره مراسم دیگری در آنجا برپا کنیم!»



افتخار می‌کنم که مراسم ازدواجم در مسجد برگزار شد

فاطمه مرادی، نو عروس هفده ساله، با علامت سرونه‌ها، حرف‌های همسرش را در حین گفتگو تأیید می‌کند، اما حجب و حیاش نمی‌گذارد تا سؤالی از او پرسیده ایم، خودش سر حرف را باز کند. بالاخره درباره مراسم ازدواجش و اینکه چطور حاضر شد آن را در مسجد برگزار کند، می‌پرسیم و او جواب می‌دهد: «افتخار می‌کنم که زندگی‌ام را در مسجد شروع کردم. چند نفر از دوستانم را هم دعوت کرده بودم و برای بقیه دوستانم که در مراسم نبودند، ما برای عقدم را تعریف کردم. آن‌ها هم ترغیب شدند که هر وقت قصد ازدواج داشتند، درباره این موضوع فکر کنند.»

عروس خانم درباره نحوه اجرای مراسم عقد و اتفاقات غافلگیرکننده آن می‌گوید: «جمعیت زیادی آمده بودند. برای لحظات اول که آن جمعیت را دیدم، شوکه و دچار اضطراب شدم، اما تلاوت قرآن آرامم کرد. بعد هم صلوات خاصه

آخرین فرزند خانواده محمدیان است و برای انتخاب همسر مناسب، شصت بار به خواستگاری رفته است. او دانشجوی رشته حقوق دانشگاه رضوی و همچنین طلبه است. قاسم محمدیان که آمار بالای خواستگاری رفتنش جای تعجب دارد، بیست و پنج ساله است و درباره روند پیدا کردن همسر مناسبش این‌طور می‌گوید: «سه سال پیش، تصمیمم برای ازدواج، جدی شد. مادرم با توجه به ملاک‌هایی که در نظر داشتم، در بهار به دنبال همسر مناسب برای من می‌گشت. به خانه ۶۰ دختر برای خواستگاری رفتم. از همان اول هم با حضور خانواده‌ها، به مشاوره می‌رفتم تا آگاهانه ازدواج کنیم و چیزی از قلم نیفتد. وقتی خانم نیکزاد که از فعالان فرهنگی و معتمدان محله ما هستند، خانواده همسر را به من معرفی کردند، به خواستگاری رفتم و بعد هم با حضور خانواده‌ها به مشاوره مراجعه کردیم. مشاور به صورت انفرادی و همچنین با هم‌دیگر و حتی با مادر و پدر ما صحبت کرد. همه چیز خوب پیش رفت و به این نتیجه رسیدیم که این ازدواج، ازدواج مبارک و درستی است.»

آقا داماد با تأکید می‌گوید: «از حاشیه‌ها و مسائل هیچ‌و‌پوچی که زوج‌ها را از هم دور می‌کند، بیزارم و فقط می‌خواهم آرامش داشته باشم.»

برگزاری مراسم عقد در مسجد فاطمه الزهرا (س)، چنان خاطره شیرینی را

انبیة شهرکی: چند سالی هست که تلاش برای جانداختن فرهنگ ازدواج آسان، نقل بسیاری از محافل رسمی و غیررسمی شده، اما عایدی آن چیزی نبوده جز رسیدن به شعارهای همیشگی قاسم محمدیان و فاطمه مرادی، اما تا پای عمل به این شعار پیش رفته‌اند. در مراسم ازدواج آنان نه از تجمعات و تشریفات خبری بوده و نه از زرق و برق‌های فامیلی. ۵۰۰ نفر، در شب اول ذی الحجه، میهمان این مراسم در مسجد فاطمه الزهرا (س) بوده‌اند؛ شبی که با سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) مصادف است.

مراسم ازدواج داماد بیست و پنج ساله و عروس هفده ساله حکایت‌هایی شنیدنی دارد؛ البته سر رشته این حکایت‌ها به دوران خواستگاری برمی‌گردد؛ به زمانی که آقا قاسم بعد از شصت بار خواستگاری رفتن، بالاخره همسر مناسب خود را پیدا می‌کند.

در برپایی مراسم این زوج، فعالان فرهنگی مسجد فاطمه الزهرا (س) در محله خاتم الانبیا (ص) نقشی اساسی داشته‌اند؛ هر چند تصمیم نهایی را خود این زوج و خانواده‌هایشان گرفته‌اند.

این قصه، سوای همه قصه‌های رایج ازدواج است که به شنیدنش می‌آزد.

اگر خانم نیکزاد برای سال آینده عروس و دامادی پیدا نکردند که در شب اول ذی الحجه مراسم عقدشان را در مسجد برگزار کنند، من و همسرم حاضریم دوباره مراسم دیگری در آنجا برپا کنیم!